درس ٤٧

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **مکاشفه**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (مکاشفه ۱۵-۱۸) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۱۸: ۳٦

٤	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **رنج انسان و اقتدار خدا**

مقدمه: این درس در مورد رنج است. رنج هم برای مسیحیان و هم برای غیر مسیحیان به یکسان پیش می‌آید. مردم به روشهای مختلفی رنج می‌کشند و به طرق متفاوتی در برابر آن واکنش نشان می‌دهند، اما هر شخصی با این سؤال درگیر است که چرا رنج وجود دارد و اهمیت رنج چیست؟ این مطالعه به این موضوعات می‌پردازد.

الف - <u>رنج را باید ابراز کرد.</u>

۱- <u>رنج شکلهای بسیار متفاوتی دارد.</u>

مقدمه: انسانها به شکلهای گوناگون رنج می‌کشند.

الف) <u>شکل های گوناگون رنج</u>
بعضی از انسانها به این دلیل که بیمار هستند یا دچار ناتوانایی جسمی، ذهنی یا احساسی می‌باشند، رنج می‌برند. شاید آنها یک عمل خطرناک داشته‌اند یا از یک معلولیت دائمی رنج می‌برند. بعضی دیگر از دیدن دائمی مردمی‌که در جهان رنج می‌برند، خود نیز دچار رنج و عذاب می‌گردند. عده ای دیگر از اینکه نقشه‌ها و آرزوها و امیدهایشان جامه عمل نپوشیده‌اند، یا از اینکه احساس می‌کنند نیاز شدید آنها برای محبت یا یک رابطه عمیق هرگز تحقق نیافته، رنج می‌کشند. بعضی دیگر به دلیل پیدا نکردن هدفی در زندگی رنج می‌کشند. عده ای دیگر از مردم به دلیل مشکلات زناشوئی یا عدم موفقیت در کار رنج می‌برند. بعضی دیگر به دلیل احساس تقصیر و شرم دچار عذاب هستند. عده ای از رفتار غیر عادلانه دیگران نسبت به خودشان رنج می‌برند. بعضی به این دلیل که احساس می‌کنند مقررات و شرایط محدودشان کرده، رنج می‌برند.

ب) <u>سؤالاتی در مورد رنج</u>
بسیاری از انسانها از اینکه نمی‌توانند پاسخی رضایت بخش برای سؤالات بسیار مهم و حیاتی خود بیابند، دررنج وعذاب هستند. سؤالات آنها دائماً آنها را عذاب داده و عصبانی می‌کند. برای مثال می‌پرسند:
۱) "چگونه خدای محبت می‌تواند اجازه دهد که رنج وجود داشته باشد؟"
۲) " چرا باید رنج بکشم؟ چرا من ای خدا؟" " چه کاری انجام داده ام که مستحق چنین رنج و عذابی باشم؟"
۳) " چگونه کسی می‌تواند مرا از این رنج برهاند؟" " چه وقت از تمام این رنج ها رهایی خواهم یافت؟"
مردم در اثر سؤالهای بی جواب خود دچار رنج و عذاب می‌گردند.

پ) زجر و عذاب رنج
بعضی از مردم از اینکه دائماً شاهد رنج کشیدن دیگران هستند، خودشان نیز دچار رنج و عذاب می‌گردند. آنها از دیدن بیمارانی که رنج و درد را متحمل می‌شوند و احساس اینکه نمی‌توانند برای آنها کاری انجام دهند، دچار عذاب می‌گردند. آنها از احساس خشم و عصبانیت خود از مشاهده بی‌عدالتی ظاهری پریشان و آشفته می‌گردند. آنها زمانی که مجبورند با عزیزی که در حال مرگ است وداع گویند، دچار عذاب و تنش می‌گردند. مردم از ترس خود از رنج و مرگ در عذاب و ناراحتی هستند. آنها از نگرانی خود در این باره که آیا قادر خواهند بود از پس رنج و درد برآیند و یا باید تسلیم آن شوند، عذاب می‌کشند. مهم نیست چه نوع رنج و عذابی به سراغ شخص می‌آید، رنج همیشه آسیب می‌رساند و همیشه سخت و دشوار است.

۲ - رنج باید ابراز گردد.

مقدمه: مردمی‌که رنج می‌کشند به دنبال پاسخ هستند، اما قبل از آن می‌باید فرصتی برای بیان و ابراز غم و ناراحتی خود داشته باشند و مجالی بیابند تا رنج درونی خود را درک نمایند. بسیاری از اشخاص در کتاب مقدس رنج و درد را تجربه کرده اند و دچار غم و اندوه و اضطراب و پریشانی گشته اند.
کشف و گفتگو کنید: اشخاص در کتاب مقدس، رنج خود را چگونه ابراز می‌کردند؟

الف) ایوب
بخوانید: ایوب ۳: ۱-۲٦
زمانی که ایوب دارایی و پسران و دختران خود را از دست داد، روز ولادت خویش را لعنت کرد چراکه احساس آزردگی می‌کرد و خشمگین بود. او نومیدانه به دنبال پاسخی برای رنج خود بود. او گفت: " چرا در رحم مادرم نمردم؟" (ایوب ۳: ۱۱) "مطمئن و آرام نبودم و راحت نداشتم و پریشانی بر من آمد" (ایوب ۳: ۲٦).

ب) داود
۱) **بخوانید:** مزمور ٦: ۱-۱۰. مزمور٦ دعای اشکهای داود است. اگر چه او جنگجوی قدرتمند و پادشاه معروفی بود اما از گریه کردن شرم نداشت. او دعا کرد "از ناله خود وامانده‌ام. تمامی‌شب تختخواب خود را غرق می‌کنم و بستر خویش را به اشکها تر می‌سازم، چشم من از غصه کاهیده شد و بسبب همه دشمنانم تار گردید" (مزمور ٦: ٦-۷).
۲) **بخوانید:** مزمور ۳۰: ۱-۲. زمانی که داود بسیار بیمار بود و در خطر مرگ قرار داشت، از خدا درخواست رحمت می‌نماید تا زنده بماند و امانت خدا را اعلام نماید. او دعا کرد و گفت: «ای خدا نزد تو فریاد بر می‌آورم و نزد خداوند تضرع می‌نمایم. در خون من چه فایده است، چون به حفره فرو روم. آیا خاک تو را حمد می‌گوید و راستی تو را اخبار می‌نماید؟» (مزمور ۳۰: ۸-۹).
۳) **بخوانید:** مزمور ٦۹: ۱-۲۱. زمانی که مردم به داود جفا می‌رساندند و شرایط بر ضد او بود، او اضطراب و پریشانی بسیار زیادی را تجربه کرد و ناامیدی و یأس خود را در دعای خود به خدا ابراز داشته و گفت: "خدایا مرا نجات ده. زیرا آبها به جان من در آمده است.در خلاب ژرف فرو رفته ام، جایی که نتوان ایستاد. به آبهای عمیق در آمده ام و سیل مرا می‌پوشاند. از فریاد خود خسته شده ام و گلوی من سوخته و چشمانم از انتظار خدا تار گشته است" (مزمور ٦۹: ۱-۳). او اشک می‌ریخت و روزه می‌داشت، چراکه بسیار حقیر، رسوا و شرمنده شده بود (مزمور ٦۹: ۱۰-۱۹). او گفت: " عار، دل مرا شکسته است و به شدت بیمار شده ام. انتظار مشفقی کشیدم، ولی نبود و برای تسلی دهندگان، اما نیافتم" (مزمور ٦۹: ۲۰).
٤) **بخوانید:** مزمور ۱٤۲: ۱-۷. داود ترسی نداشت که ناله و شکایت خود را نزد خدا بیان کند و از مشکلات خود بگوید. او گفت: " کسی نیست که مرا بشناسد. ملجا برای من نابود شد. کسی نیست که در فکر جان من باشد... بسیار ذلیلم. مرا از جفاکنندگانم برهان، زیرا که از من زورآورترند."

پ) عیسی
بخوانید: متی ۲۷: ٤٦
حتی عیسی نیز بر روی صلیب با فریاد بلند رنج خود را ابراز نمود: " الهی، الهی چرا مرا ترک کردی؟"

خلاصه: شما نیز دقیقاً مانند ایوب، داود و عیسی، می‌توانید رنج خود را ابراز کنید. وقت کافی به غم و ماتم بدهید. می‌توانید درد و رنج شدید خود را به خدا با دعای خود و یا از طریق دعاهای اشخاص رنجیده در مزامیر، ابراز نمایید. احساس شما برای خدا مهم است و به رنج شما توجه دارد. او اشکهای شما را می‌بیند و فریادهای شما را برای کمک به خاطر می‌آورد.

۳ - رنج باعث واکنشهایی از جانب سایر اشخاص می‌گردد.

مقدمه: انسانها نه تنها نسبت به رنج خود واکنش نشان می‌دهند، بلکه به رنج سایرین نیز. بعضی از مردم، هر رنجی را تنبیه و مجازاتی برای گناه شخصی خود تلقی می‌کنند. بنابراین اشخاصی را که در رنج هستند همچون یک "گناهکار" مورد قضاوت

قرار می‌دهند. و رنج آنها را یک "مجازات به حق یا عادلانه" به‌حساب می‌آورند. بنابراین نمی‌توانند هیچ احساس دلسوزی برای رنج دیگران داشته باشند و نمی‌توانند نسبت به آنانی که در رنج هستند از خود همدردی و دلسوزی نشان دهند.
اما عبرانیان ٤: ١٥-١٦ تعلیم می‌دهد که عیسی با ضعفهای ما همدرد می‌گردد و به ما فیض و رحمت می‌بخشد که در وقت لازم به ما کمک کند و دوم قرنتیان ١: ٤ تعلیم می‌دهد که " که ما را در هر تنگی ما تسلی می‌دهد تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم. به آن تسلی که خود از خدا یافته ایم."
کشف و گفتگو کنید: مسیحیان می‌بایست نسبت به رنج دیگران چگونه واکنش نشان دهند؟

الف) ماتم
بخوانید: رومیان ١٢: ١٥
مسیحیان می‌باید با ماتمیان، ماتم کنند.

ب) همدردی
بخوانید: متی ٢٧: ٤٦ ؛ عبرانیان ١٠: ٣٤
مسیحیان می‌باید با سایر مسیحیانی که به خاطر ایمانشان به عیسی مسیح در زندان هستند همدردی نمایند.

پ) ملاقات، دعا و کمک
بخوانید: متی ٢٥: ٣٩ ؛ ٢٧: ٤٦ ؛ دوم قرنتیان ١: ٤
مسیحیان نیاز دارند که از اشخاص رنج کشیده در جهان ملاقات به‌عمل آورند و بیاموزند که چگونه با آنها هم رنج شده یا چگونه آنها را تسلی دهند. مسیحیان لازم است بیاموزند که چه وقتی برای اشخاص رنج دیده دعا کنند و چه زمانی در رنجهایشان به ایشان کمک نمایند.

ب - اشخاص از اعمال اشتباه خود رنج می‌برند.

مقدمه: همه مردم در بعضی از لحظات در زندگیشان رنج می‌برند. بعضی مواقع از انجام دادن کاری که در نظر خدا اشتباه است و گاهی اوقات از انجام ندادن آنچه در نظر خدا درست است رنج می‌برند. پنج دلیل برای رنج کشیدن انسانها وجود دارد.

١- انسانها به دلیل خدانشناس بودن رنج می‌کشند.

الف) عامل اصلی همه رنجهای نسل بشر مسأله سقوط می‌باشد
بخوانید: پیدایش ٣: ١-١٩؛ رومیان ٨: ١٨-٢١
کشف و گفتگو کنید: عامل اصلی همه رنجهای بشر چیست؟
ملاحظات: کتاب مقدس به صراحت تعلیم می‌دهد که تمام رنجها به دلیل "سقوط انسان در گناه" می‌باشد. در پیدایش ٣ می‌خوانیم که اولین انسان چگونه در گناه سقوط کرد. آدم و حوا به خدا پشت کرده، از فرمان خدا نافرمانی کردند و سپس خودشان را از خدا پنهان نمودند. خدا آدم را نماینده تمام بشریت به‌شمار آورد و سرنوشت او را به حساب ایشان گذارد، و بدینسان گناهان ایشان را مجازات فرمود (رومیان ٥: ١٢، ١٧-١٩). خدا همچنین تمام خلقت را مطیع فساد و تباهی ساخت. انسان ارتباط کامل خود را با خدا، و بی‌گناهی خویش را در حضور خدا، و نیز جاودانگی خود را از دست داد. زمین و طبیعت حالت کمال خود را از دست دادند و خار، خس و مصیبت به بار آوردند. از سقوط انسان در گناه تا بازگشت (آمدن دوم) عیسی مسیح رنج وجود خواهد داشت، یعنی تا زمانی که او همه خلقت را تازه و احیا سازد (اعمال ٣: ٢١).

ب) عامل تداوم‌بخش همه رنجهای بشر، خدانشناسی است.
بخوانید: مزمور ١٤: ١-٣؛ رومیان ١: ١٨-٢٣
کشف و گفتگو کنید: چرا نسل بشر به رنج کشیدن ادامه می‌دهد؟
ملاحظات: نسل بشر به این دلیل به رنج کشیدن ادامه می‌دهد که همه انسانها راه آدم را دنبال کردند. آنها به خدانشناسی ادامه دادند. "خدا نشناسی" یعنی داشتن ارتباطی نادرست با خدا. این، هم به‌معنی شخصی است که به وجود خدا ایمان ندارد، و هم به‌معنی شخصی است که به خدایی ایمان دارد که خدای کتاب مقدس نمی‌باشد. وجه مشخصه زندگی شخص ملحد (کسی که منکر وجود خدا است) این است که چنین شخصی خویشتن را خدای خود می‌داند و هر آنچه می‌خواهد انجام می‌دهد. وجه مشخصه زندگی شخصی مذهبی که مسیحی نیست، این است که بتی برای خود می‌سازد یا برداشت خاص خود را از خدا ابداع می‌کند. چنین اشخاص مذهبی معمولاً سعی می‌کنند بوسیله روش خود ، مذهب خود ، با نگاه داشتن احکام مذهبی ساخته و پرداخته خودشان یا بوسیله انجام اعمال نیکو، عادل شمرده شوند یا نجات یابند. بطور خلاصه، خدانشناسی یا به معنی زندگی بدون خدای کتاب مقدس است یا زندگی در رابطه‌ای نادرست با خدای کتاب مقدس.
نتیجه خدانشناسی این است که اندیشه و تفکر انسان، عبث و بیهوده و بی‌ثمر می‌گردد و قلبش را تاریکی فرا می‌گیرد. در نتیجه آنها در دنیایی از دروغ و فریب زندگی می‌کنند. آنها بینش لازم را برای یک زندگی اخلاقی و روحانی از دست می‌دهند. آنها

در دنیایی زندگی می‌کنند که مردم خدای واقعی را نمی‌شناسند و نمی‌توانند قدرت لازم برای انجام نیکویی را بیابند. همه این چیزها باعث شده که آنها و اشخاصی که در اطرافشان هستند، رنج بکشند.

۲- انسانها به دلیل شرارت خود رنج می‌کشند.

بخوانید: رومیان ۱: ۲۴-۳۲
کشف و گفتگو کنید: چرا مردم به رنج کشیدن در جهان حاضر ادامه می‌دهند؟
ملاحظات: مردم دائم رنج می‌کشند، چون به شرارت خود ادامه می‌دهند. "شرارت" به معنی داشتن رابطه‌ای نادرست با سایر انسانها است. انسانها اشتباهات بسیاری را نسبت به یکدیگر مرتکب می‌گردند. آنها یکدیگر را به روشهای زندگی ناشایست و فاسد می‌کشانند. آنها روشهایی را برای انجام بدی و هر نوع شرارت قابل تصور نسبت به یکدیگر ابداع می‌کنند. به مواردی که در رومیان ۱: ۲۸-۳۲ آمده، توجه کنید، مواردی نظیر تکبر روحانی و خصومت نسبت به خدا، فساد و انحراف جنسی، طمع و فریب تجاری (مالی)، شایعه‌سازی و لاف‌زنی (خودستایی) در جامعه و بی‌فهمی و بی‌وفایی از نظر سیاسی. انسانها از شرارت پر هستند و بدی را انجام می‌دهند، آنها شرارت را ابداع می‌کنند و شرارت را تأیید می‌نمایند. جای تعجب نیست که تا زمانی که انسانها چنین اعمالی را نسبت به یکدیگر انجام می‌دهند، همه رنج ببرند.

۳- انسانها به این دلیل رنج می‌کشند که حقایق الهی را سرکوب می‌کنند یا جایگزین می‌کنند.

بخوانید: لوقا ۵: ۳۱-۳۲ ؛ یوحنا ۹: ۳۹-۴۱؛ رومیان ۱: ۱۸ ، ۲۳ ، ۲۵ ؛ اول یوحنا ۱: ۸ - ۲: ۲
کشف و گفتگو کنید: انسانها اغلب چه کاری انجام می‌دهند که باعث رنج کشیدنشان می‌گردد؟
ملاحظات:
الف) انسانها اغلب حقیقت را سرکوب می‌کنند یا دروغ را جایگزین آن می‌کنند.
این امر باعث رنج بسیار می‌گردد. پزشک فقط زمانی می‌تواند به شخص بیمار کمك کند که او حقیقت بیماری خود را بپذیرد. به کسی که مشکلش را انکار می‌کند، نمی‌توان کمک کرد تا مشکلش حل شود (لوقا ۵: ۳۱-۳۲). به همین شکل، عیسی مسیح فقط زمانی می‌تواند گناهکار را نجات بخشد که او با واقعیت و حقیقت گناه خود روبرو شود و آن را تصدیق کند. شخصی که انکار می‌کند که مرتکب گناه شده است، فقط خود را فریب می‌دهد (اول یوحنا ۱: ۸ - ۲: ۲). شخص فقط زمانی از اسارت گناه آزاد می‌شود که این حقیقت را باور کند که عیسی مسیح تنها راه به سوی خدا و به سوی نجات است (یوحنا ۸: ۳۱-۳۶)؛ در اینصورت، او بطور کامل نجات خواهد یافت (یوحنا ٦: ۳۵-۳۷).

ب) "راستی یا حقیقت " چیست؟
"راستی" عبارت است از حقیقت درباره اینکه خدا کیست و چه می‌گوید و چه انجام می‌دهد (یوحنا ١٤: ٦ ؛ ١٧: ١٧).
۱) " راستی " عبارت است از آنچه خدا درباره وضعیت انسان و مشکل او در زمانی که بدون خدا زندگی می‌کند، می‌گوید. بدون خدا انسان نمی‌تواند حقیقت را درباره خود یا هدف و مقصود زندگی بشناسد. بدون خدا انسان سعی می‌کند به سؤالات اساسی زندگی پاسخهای منطقی و معقول بدهد. اما پاسخهای او حقیقت نخواهد بود، چرا که خدا را نمی‌شناسد. سؤالات اساسی و بنیادی زندگی عبارتند از " از کجا آمده ام ؟" " چه کسی هستم؟" "چرا اینجا هستم؟" "چگونه باید زندگی کنم؟" و " به کجا خواهم رفت؟" بدون خدا انسان کاملاً گمشده است.
۲) "راستی" این است که عیسی مسیح تنها راه به سوی خداست. کتاب مقدس به صراحت این حقیقت را تعلیم می‌دهد. هرکه مسیح را بپذیرد، خدا را پذیرفته است (متی ۱۰: ٤٠). هرکه مسیح را رد کند، خدا رارد کرده است. (لوقا ۱۰: ١٦). هرکه مسیح را حرمت گذارد، خدا را حرمت گذاشته است (یوحنا ۵: ۲۳). هرکه به مسیح حرمت نگذارد، به خدا حرمت نگذاشته است (یوحنا ۵: ۲۳). فقط شخصی که خدا به مسیح بخشیده، به سوی مسیح می‌آید و مسیح هرگز او را بیرون نخواهد کرد (یوحنا ٦: ۳۷، ٤٤). هرکه مسیح را بشناسد، خدا را شناخته است (یوحنا ۸: ۱۹). هر که مسیح را محبت کند، خدا را محبت کرده است (یوحنا ۸: ٤٢). هرکه به مسیح ایمان آورد به خدا ایمان آورده است (یوحنا ۱۲: ٤٤). هرکه به سخنان مسیح گوش دهد، به سخنان خدا گوش داده است (یوحنا ۱۲: ٤٧-٥٠). هرکه مسیح را قبول کند، خدا را قبول کرده است (یوحنا ۱۳: ۲۰). هرکه مسیح را ببیند، خدا را دیده است (یوحنا ١٤: ٩-١٠). هرکه از احکام و تعالیم مسیح اطاعت کند، مورد محبت خدا واقع می‌شود و خدا به سوی او آمده و در وی ساکن خواهد شد (یوحنا ١٤: ٢١،٢٣). مسیح به شخصی که خدا به او عطا کرده است حیات جاودانی می‌بخشد، و خدا را به او آشکار می‌نماید و برای او دعا می‌کند (یوحنا ۱۷: ۲، ٦، ۹). آنکه مسیح را بشناساند، خدا را می شناساند (اول یوحنا ۲: ۲۳). هر که مسیح را انکار کند ، خدا را انکار کرده است (اول یوحنا ۲: ۲۳). هرکه مسیح را اعتراف کند خدا در او زندگی می‌کند و او در خدا (اول یوحنا ٤: ١٥). هر که مسیح را محبت می‌کند، خدا را محبت می‌نماید (اول یوحنا ۵: ۱). هرکه در تعلیم مسیح ثابت نماند، خدا را ندارد (دوم یوحنا ۹).
۳) "راستی" عبارت است از آنچه خدا درباره جایگاه و موقعیت انسان بعد از اینکه ایمان می آورد، می‌گوید.
ایماندار به عیسی مسیح از امنیت واقعی برخوردار است. او می‌داند که بدون هیچ قید و شرطی مورد محبت واقع شده و بطور همیشگی پذیرفته شده است (اشعیا ٤٣: ١-٤). ایماندار به عیسی مسیح همچنین از اهمیت واقعی برخوردار است. او

می‌داند که زندگی او مهم، با معنا و با ثمر است (ارمیا ۲۹: ۱۱؛ یوحنا ۱۵: ۵). بدون خدا انسانها نمی‌توانند این حقایق را بفهمند و به همین دلیل رنج می‌کشند.

پ) بنابراین "راستی" به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر وابسته است به خدا و کلام او و اعمالش در کتاب مقدس.
زمانیکه انسانها حقیقت را سرکوب کرده یا عوض می‌کنند، بر ضد وجدان خود مرتکب گناه می‌شوند. رابطه اشتباه با خویشتن، زمانی است که شخص "به اعتقادات و ارزشهای اشتباه ایمان دارد". حقیقت درباره خدا، درباره آنچه گفته و انجام داده، درباره وضعیت انسان و سرنوشت این جهان اغلب نادیده گرفته می‌شود، و آگاهانه سرکوب می‌گردد و یا آگاهانه جایگزین می‌شود. حکومتها دوست ندارند که خود را مطیع و تسلیم یک قدرت روحانی و اخلاقی برتر از خودشان بگردانند. مردم ثروتمند یا قدرتمند یا متفکر اغلب حقیقت را عوض کرده یا آن را سرکوب می‌کنند، چرا که پذیرش حقیقت به این معنا است که می‌باید روش زندگی خود را عوض کنند. تا زمانی که حکومتها و مردم از تغییر امتناع می‌کنند و غیر منصف و خودخواه هستند، به عوض کردن یا سرکوب نمودن حقیقت برای اهداف خود ادامه خواهند داد. نتیجه این است که انسانها رنج می‌کشند.
انسان بطور طبیعی، رابطه‌ای اشتباه با خدا، رابطه‌ای اشتباه با سایر انسانها، رابطه‌ای اشتباه با خودش دارد. ذاتاً هر انسانی خدانشناس و شریر است و به اعتقادات و ارزشهای اشتباه ایمان دارد. کتاب مقدس این سه نوع رابطه اشتباه را با یک کلمه بیان می‌کند: «گناه». دلیل واقعی برای تمامی رنجها در دنیا «گناه» است.

٤- انسانها به دلیل واقعیت مرگ رنج می‌کشند.

بخوانید: جامعه ۹: ۲-۱۲ ؛ رومیان ٦: ۲۳
کشف و گفتگو کنید: همه انسانها به این دلیل که از مرگ می‌هراسند، رنج می‌کشند. چرا اکثر انسانها از مرگ می‌ترسند؟
ملاحظات: همه انسانها رنج می‌کشند، چرا که خواهند مرد. چون همه گناه کرده اند، همه خواهند مرد. « مرگ» آنقدر وحشتناک است که بسیاری از مردم حتی نمی‌خواهند در مورد آن حرف بزنند. مرگ برای بسیاری از انسانها نقطه اوج تمامی رنجها است. بسیاری از « مرگ» می‌ترسند چراکه «مرگ» به معنای جدایی است. مرگ به معنای جدایی از جسم است. بدن شما به خاک باز می‌گردد. مرگ به معنای جدایی از عزیزان می‌باشد. می‌باید آنها را پشت سر واگذارید. مرگ به معنای جدایی از دارایی ها، از دست دادن تمام تحصیلات، از دست دادن کار و رها کردن تمام موفقیت‌ها و موقعیت‌ها می‌باشد. هیچ چیزی از آنچه را که در طول زندگی خود به‌سختی برای آن کار کرده‌اید نمی‌توانید به‌هنگام مرگ با خود ببرید (اول تیموتاؤس ٦: ۷). «مرگ» همچنین برای بازماندگان وحشتناک می‌باشد. آنها از عزیز خود جدا شده اند و او دیگر با ایشان نیست. بعضی مواقع آنها به این دلیل رنج می‌کشند که نمی‌دانند عزیز فوت‌کرده‌شان آیا بعد از مرگ به آسمان رفته است یا جهنم. از این گذشته، آنها برای خودشان نیز از «مرگ» می‌هراسند، چراکه نمی‌دانند که چه زمان نوبت خودشان فرا می‌رسد و یا بعد از مرگ باید انتظار چه چیزی را داشته باشند. واقعیت مرگ باعث رنج کشیدن همه انسانها می‌شود.

٥- انسانها به دلیل داوری های خدا رنج می‌کشند.

الف) داوریهای کنونی خدا باعث رنج کشیدن انسانها می‌گردد.
بخوانید: غلاطیان ٦: ۷-۸ ؛ عاموس ٤: ٦-۱۲ ؛ حجی ۱: ٦-۱۰ ؛ حزقیال ١٤: ۲۱
کشف و گفتگو کنید: چگونه داوری خدا باعث رنج کشیدن انسانها می‌گردد؟
ملاحظات:
۱) انسانها رنج می‌کشند چون خدا اجازه می‌دهد که داوری های او بر آنهایی که احکام او را زیر پا می‌گذارند جاری شود. خدا قوانینی در خلقت خویش قرار داده است. اگر این قوانین زیر پا گذاشته شوند، داوری و مجازات به‌همراه می‌آورند. «آنچه آدمی بکارد همان را درو خواهد کرد» (غلاطیان ٦: ۷-۸). برای مثال، اگر شخصی قانون «نیروی جاذبه» در فیزیک را نادیده بگیرد و از یک ساختمان بلند به پایین بپرد، احتمال دارد باعث مرگ خود گردد. همچنین خدا نیز قوانین روحانی و اخلاقی را در درون انسانها قرار داده است. اگر انسانها قوانین روحانی و اخلاقی خدا را زیر پا بگذارند، مجازات می‌گردند و در نتیجه رنج می‌کشند. برای مثال، اگر شخصی قانون اخلاقی خدا را بر علیه فساد جنسی نادیده بگیرد، خدا امکان دارد او را به وسیله امراض مقاربتی یا ایدز مجازات نماید.
۲) انسانها رنج می‌کشند چون خدا داوری های خویش را بر انسانهایی که او را نادیده می‌گیرند، و او را رد می‌کنند، یا از او نا اطاعتی می‌نمایند، جاری می‌سازد. خدا تمام کائنات را هدایت و کنترل می‌کند، از جمله وقایع و اتفاقات تاریخی و نیروهای طبیعت را. اگر مردم از خدا نا اطاعتی کنند یا رابطه‌شان با خدا قطع شود، آنگاه خدا توجه و مراقبت خود را از جهان بر خواهد داشت و انسان را مجازات و تنبیه خواهد کرد. آنگاه خدا داوری خود را بر جهان جاری می‌سازد و مردم جهان رنج می‌کشند. برای مثال، خدا می‌تواند ثمره و محصول طبیعت را کاهش دهد و همچنین نیازهای اولیه انسانها را برای خوراک و پوشاک برآورده نسازد. او می‌تواند باعث شود که اجرت و دستمزد افراد ناکافی باشد و انتظارات بالای آنها از زندگی از بین برود (حجی ۱: ٦-۱۰). به همین شکل، خدا از تمام بلاهای طبیعی از قبیل زلزله، سیل و مخصوصاً خشکسالی و قحطی در طول تاریخ استفاده کرده تا ناخشنودی خود را از گناه نشان دهد و به انسانها هشدار دهد که توبه کنند و به سوی

او بازگشت نمایند (حزقیال ١٤: ٢١؛ مکاشفه ٨: ٦- ٩: ٢١). خدا می‌فرماید: «به سوی من بازگشت ننمودید ... خویشتن را مهیا ساز تا با خدای خود ملاقات نمایی» (عاموس ٤: ٦-١٢).

ب) داوری نهایی خدا در آینده باعث رنج کشیدن انسانها می‌گردد.
بخوانید: عبرانیان ٩: ٢٧ ؛ متی ٢٥: ٤٦ ؛ دوم تسالونیکیان ١: ٨-٩
کشف و گفتگو کنید: بدترین رنج و عذاب چه خواهد بود؟
ملاحظات: بدترین رنج و عذاب، داوری و مجازات ابدی خدا در جهنم می‌باشد. داوری نهایی خدا بعد از مرگ فرا می‌رسد. آنگاه خدا تمام انسانها را برای خدانشناسی آنها، شرارت ها، اعتقادات اشتباه و رد کردن عیسی مسیح داوری خواهد کرد. اشخاص شریر و گناهکار با جدایی ابدی از خدا مجازات خواهند شد و روز و شب برای همیشه در شکنجه و عذاب خواهند بود. رنج داوری نهایی خدا بسیار بدتر از مرگ است. تمام بی ایمانان و مردم شریر در عالم آینده رنج خواهند کشید. این امر بسیار جدی است. رنج وعذاب داوری نهایی خدا در آینده بسیار بدتر از تمام رنجهای زمان حاضر بر روی زمین خواهد بود.

پ - مسیحیان بخاطر نیکویی کردن رنج می‌برند.

مقدمه: مسیحیان می‌باید بین رنج کشیدن بخاطر انجام عمل صحیح و رنج کشیدن بخاطر عمل اشتباه تمایزی قائل شوند. مسیحیان دعوت شده‌اند که نه برای انجام کاری که اشتباه است رنج بکشند، بلکه به دلیل انجام عمل صحیح متحمل رنج و سختی گردند. انبیا در عهد عتیق اغلب برای آنچه صحیح است، رنج می‌کشیدند. عیسی مسیح به دلیل انجام آنچه صحیح است، رنج کشید. رسولان نیز به دلیل انجام آنچه صحیح است رنج کشیدند. و مسیحیان دعوت شده‌اند برای انجام آنچه صحیح است، متحمل رنج و سختی گردند.

١ - مسیحیان اغلب به این دلیل رنج می‌کشند که نمی‌توانند شرایط خود را تغییر دهند.

کشف و گفتگو کنید: یک مسیحی در شرایط سخت و دشوار چگونه باید عمل کند؟

الف) فرد مسیحی ممکن است در کشوری با شرایط دشوار زندگی نماید.
بخوانید: اعمال ١٧: ٢٥-٢٦
ملاحظات: مسیحیان اغلب به دلیل اینکه نمی‌توانند شرایط یا موقعیتهای بیرونی را تغییر دهند رنج می‌کشند. خدا مکان هر شخص و شرایط او را بر روی زمین تعیین کرده است. این اراده خداست که هر شخص خدا را در آن شرایط جستجو کند. البته این بدین معنا نیست که شخص هیچ کوششی برای تغییر آن شرایط انجام ندهد، اگرچه قادر است چنین کند. خدا به انسانها قابلیت‌های خاص و همچنین فرصتهایی داده تا از شرایط خود بیشترین استفاده را بکنند.

ب) فرد مسیحی امکان دارد برده اربابان زمینی است.
بخوانید: اول پطرس ٢: ١٨-٢٠؛ افسسیان ٦: ٥-٩؛ کولسیان ٣: ٢٢- ٤: ١ ؛ متی ٥: ٦ ؛ اعمال ٥: ٢٩
ملاحظات: رابطه ارباب و غلام نمونه ای از شرایط سخت و مشکل است. بسیاری از زنها به دلایل فرهنگی یا مذهبی برده خانه‌های خود هستند. بسیاری از کودکان در کشورهای فقیر مجبور هستند چون برده برای کارفرمایان طماع خود کار کنند. بسیاری از کارگران خارجی استثمار می‌شوند و دستمزد غیر منصفانه ای دریافت می‌کنند.
١) مسیحیان باید چه نگرشی نسبت به برده‌داری داشته باشند؟ در روزگار عهد جدید، برده‌داری امری متداول بود و مردم اغلب زیر دست اربابان بی رحم و بی انصاف رنج می‌بردند. اول پطرس ٢: ١٨ می‌فرماید: «ای نوکران ، مطیع آقایان خود باشید». این برده‌ها، بیشتر «نوکران خانه» بودند که در طول روز با اربابان خود در خانه در تماس بودند (لوقا ١٢: ٣٥-٤٨) تا برده هایی که زیر نظر سرکارگر یا ناظر در بیرون کار می‌کردند (خروج ٥: ٦). پطرس رسول تعلیم می‌دهد که این برده‌ها می‌باید خود را «با ترس» تسلیم آقایان خویش سازند چراکه مقاومت بی فایده بوده و فقط بدرفتاری و خشونت با آنها را افزایش می‌داد. آنها همچنین می‌باید خود را با «کمال احترام درونی و بیرونی » تسلیم اربابان خویش سازند، چراکه خدا این را می‌خواهد. آنها می‌باید خود را نه تنها تسلیم و مطیع اربابانی که خوب و دلسوز می‌باشند، بلکه همچنین مطیع اربابانی که «بی رحم و خشن (کج خلق) می‌باشند. کلمه «خشن » به معنی « بدخلق، سر سخت، غیر منطقی، دمدمی‌مزاج، غیر قابل پیش بینی و حتی بی انصاف» می‌باشد. پطرس رسول می‌خواهد که نوکران مسیحی خانه، خود را مطیع اربابان خویش سازند حتی در مواقعی که خدمت به آنها به دلیل دستورات غیر منطقی و غیر عادلانه‌شان مشکل بود.
٢) مسیحیان باید چه نگرشی در مورد روابط جدید کارفرما و کارگر داشته باشند؟ رابطه برده-ارباب در دوران قدیم را می‌توان به روابط جدید کارفرما- کارگر تشبیه کرد. کتاب مقدس حکم می‌کند که کارمندان مسیحی، خود را بااحترام مطیع و تسلیم کارفرمایان خود سازند. کارمندان مسیحی اغلب به دلیل خواسته ها و رفتارهای غیر عادلانه کارفرمایان خود رنج می‌کشند. زمانیکه کارفرمایان آنها درخواستهای غیر معقول می‌کنند و با بی انصافی نسبت به آنها عمل می‌کنند، آنها رنج می‌کشند. بعضی مواقع کارفرمایان چنان عمل می‌کنند که گویی مالک کارگران خود هستند و می‌توانند هر نوع خواسته ای از آنها داشته باشند. بعضی از کارفرمایان بدون اینکه مزدی پرداخت کنند، خواهان کار بسیار بیشتر می‌باشند. بعضی از

کارفرمایان کارگران خود را مجبور می‌کنند در شرایطی که سلامت و امنیت کافی ندارند، کار کنند. بعضی از کارفرمایان مردمی را که از یافتن کار مأیوس و ناامید هستند، مجبور می‌کنند به سختی کار کنند اما قبیحانه حقوق کم به آنها می‌دهند و حتی از پرداختن حقوق و دستمزد آنها امتناع می‌ورزند. در بعضی از کشورها کارفرمایان از کودکان به عنوان نیروی کار خود استفاده می‌کنند، بدون آنکه به آنان آموزش دهند یا اینکه حقوق نسبتاً خوبی به آنها پرداخت کنند. بسیاری از این شرایطِ غیر عادلانه و سخت باعث می‌گردد که مسیحیان همانند غیر مسیحیان متحمل رنج گردند.
مسیحیان می‌باید با احترام حتی مطیع و تسلیم کارفرمایان خشن و بی انصاف باشند. مسیحیان می‌باید خوب کارکنند، و کوشا و وفادار و امین باشند. در شرایط دشوار، مسیحیان می‌توانند و می‌باید هر کاری را برای تغییر شرایط نا عادلانه انجام دهند. اما همیشه باید با کارفرمایان خود صحبت کنند و همیشه با آنها با احترام برخورد نمایند. با وجود این، زمانی که کارفرمایان از کارگرانشان می‌خواهند کاری انجام دهند که در کتاب مقدس منع شده است، در آن موقع کارگران می‌توانند حکیمانه با کارفرمایان خود مخالفت کنند. برای مثال تحت هیچ شرایطی کارگران مسیحی نمی‌توانند رشوه بدهند یا بگیرند، در شغل و حرفه خود دروغ گویند یا کلاهبرداری کنند، دزدی کنند یا مرتکب هر نوع بدکاری شوند. هر وقت کارفرمایانشان آنها را تهدید می‌کنند، باید به ایشان گوشزد کنند که آنها می‌باید خدا را بیشتر از هر انسان دیگری روی زمین اطاعت کنند (اعمال ٤: ١٩-٢٠؛ ٥: ٢٩). هر وقت کارفرمایانشان آنها را جریمه یا اخراج می‌کنند، می‌باید این رنج را با احترام تحمل نمایند.

۲- <u>مسیحیان اغلب به دلیل داشتن زندگی عادلانه رنج می‌برند.</u>

کشف و گفتگو کنید: در موقعیت‌هایی که مسیحیان به دلیل انجام کاری که از نظر خدا صحیح است متحمل رنج می‌گردند، چگونه باید عمل نمایند؟

الف) <u>انبیای عهد عتیق مورد جفا قرار می‌گرفتند.</u>
بخوانید: عبرانیان ١١: ٣٦-٣٧
ملاحظات: عبرانیان ١١: ٣٦-٣٧ چنین می‌فرماید: «و دیگران از استهزاها و تازیانه‌ها بلکه از بندها و زندان آزموده شدند. سنگسار گردیدند و با اره دوپاره گشتند. تجربه کرده شدند و به شمشیر مقتول گشتند؛ در پوستهای گوسفندان و بزها، محتاج و مظلوم و آواره شدند»

ب) <u>مسیحیان نیز مورد جفا قرار می‌گیرند.</u>
بخوانید: متی ٥: ١٠-١٢ ؛ عبرانیان ١٠: ٣٣-٣٤ ؛ دوم تیموتاؤس ٣: ١٢
ملاحظات: در متی ٥: ١٠-١٢ عیسی می‌فرماید: «خوشا به حال زحمتکشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند و بخاطر من هر سخن بدی به شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است زیرا که همینطور به انبیای قبل از شما جفا می‌رسانیدند». مسیحیان اغلب چون « درستکار» هستند، جفا می‌بینند. « عادل یا درستکار » بودن یعنی برخورداری از یك زندگی هماهنگ با اراده مقدس خدا. « جفا دیدن برای عدالت » به این معناست که سایر مردم روش زندگی مسیحیان را که بر اساس کتاب مقدس می‌باشد، دوست ندارند. آنها این حقیقت را دوست ندارند که مسیحیان آنچه را از دید خدا صحیح است انجام می‌دهند و از آنچه در نظر خدا بد است نفرت دارند. بنابراین به مسیحیان جفا می رسانند. مردم گناهکار همیشه می‌خواهند که اشخاص عادل و درستکار در گناهشان شریك گردند. طی قرنها، مسیحیان بخاطر عیسی مسیح و ملکوت او مورد جفا و اذیت قرار گرفته‌اند. مسیحیان را ملحد (یعنی بی‌خدا) نامیده‌اند، چراکه بت قابل رؤیت را پرستش نمی‌کردند. مسیحیان « جاسوس و خیانتکار» نامیده شده‌اند، چراکه اغلب برای فرار از جفای رهبران سیاسی و مذهبی در مکان‌های مخفی جمع می‌شدند. مسیحیان « وطن فروش» نامیده شده‌اند، چراکه خود را نسبت به پادشاه خود، عیسی مسیح اعلام وفاداری می‌کردند و از پرستش امپراتور روم امتناع می‌ورزیدند (فیلیپیان ٣: ٢٠).
عبرانیان ١٠: ٣٣-٣٤ رنجهای مسیحیان را شرح می‌دهد: « چه از اینکه از دشنامها و زحمات تماشای مردم می‌شدید، و چه از آنکه شریک با کسانی بودید که در چنین چیزها بسر می‌بردند. زیراکه با اسیران نیز همدرد می‌بودید و تاراج اموال خود را نیز به خوشی می‌پذیرفتید، چون دانستید که خود شما را در آسمان مال نیکوتر و باقی تر است». درد و رنج به عنوان یک مسیحی شکلهای بسیاری دارد. برای مثال، بعضی از مسیحیان شهید می‌شوند، بعضی دیگر به این دلیل که تصمیم می‌گیرند که با یک غیر مسیحی ازدواج نکنند، رنج می‌کشند. بسیاری از مسیحیان به دلیل اینکه از دخیل شدن در معامله نادرست تجاری، رشوه دادن و رشوه گرفتن یا دروغ گفتن امتناع می‌کنند، کار خود را از دست می‌دهند. مسیحیان بسیار دیگری به دلیل ایستادن بر حقیقتِ مسیح از مقام خود در مدرسه، کلیسا یا دولت اخراج می‌گردند. مسیحیان نمی‌توانند از جفا اجتناب کنند. در دوم تیموتاؤس ٣: ١٢، پولس رسول می‌فرماید که همه کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی خداپسندانه زیست کنند، زحمت خواهند کشید.

۳- <u>مسیحیان اغلب به این دلیل که شاهدان امین عیسی مسیح هستند، رنج می‌کشند.</u>

الف) <u>مسیحیان اغلب به این دلیل که شاهدان امین عیسی مسیح هستند، رنج می‌کشند.</u>

بخوانید: متی ۱۰: ۱۶-۲۰؛ اعمال ۲۰: ۲۹-۳۱؛ اول پطرس ٤: ۱۵-۱۶
کشف و گفتگو کنید: زمانیکه مسیحیان برای شهادت دادن فرستاده می‌شوند، چگونه باید عمل نمایند؟
ملاحظات: مسیحیان اغلب به این دلیل که شاهدان امین عیسی مسیح هستند، رنج می‌کشند. مسیحیان فرستاده می‌شوند تا با رنج و زحمات روبرو گردند. شاگردان عیسی، و همه خادمین عیسی در روزگار ما، عمداً به‌دنبال جفا نمی‌رفتند. نه، این عیسی مسیح بود که ایشان را برای موعظه انجیل، تعلیم کتاب مقدس و کمک به مردم فرستاد. او آنها را به میان «گرگان» فرستاد، یعنی به میان مردمی که با آنها با بی‌رحمی رفتار خواهند کرد. این "فرستادگان" یعنی شاگردان عیسی می‌بایست نمایندگان او در میان مردم باشند. این بدین معنا بود که عیسی مسیح از طریق آنها عمل می‌کرد و زمانی که آنها رنج می‌کشیدند با آنان بود و به‌هنگام نیاز از ایشان محافظت می‌کرد.

۱) مسیحیان باید با حکمت و بی گناهی با درد و رنج مواجه شوند. شاگردان باید مانند «مار هشیار» باشند. احتیاط و هشیاری مار در میان اسرائیلیان معروف بود. مسیحیان باید در هر آنچه انجام می‌دهند هشیار باشند. ایشان باید بکوشند نسبت به مردمی که به آنها شهادت می‌دهند، بینش بدست آورند و سعی کنند بفهمند که بهترین روش برای شهادت دادن به آنها چیست. شاگردان همچنین باید مثل «کبوتران ساده‌دل و بی‌گناه» باشند. در میان مردم اسرائیل، کبوتر نمادی از معصومیت بود (غزل غزلها ۲:۵). این بدین معناست که مسیحیان هرگز نباید با شریر مصالحه و سازش نمایند.

۲) مسیحیان هرگز نباید به دلیل انجام دادن کار اشتباه در رنج بیفتند. هشیار بودن در مقابل مردم شامل موارد زیر می‌گردد: مسیحیان هرگز نباید ساده‌لوحانه خودشان را به دست مردم بسپارند، چراکه بعضی از مردم به آنها خیانت خواهند کرد. در جامعه عیسی، رهبران مذهبی دائماً به دنبال حیله و نیرنگی برای دستگیر کردن او بودند تا برای کشاندن وی به دادگاه دلیلی داشته باشند (متی ۱۲: ۱۰؛ یوحنا ۸: ٦). حتی یکی از شاگردان خود او ، یهودا، به او خیانت کرد. پس از آنکه عیسی به آسمان صعود فرمود، مردم به خصومت و مخالفت خود با پیروان عیسی ادامه دادند. مسیحیان نباید در دام سؤالات مردم بیفتند، سؤالاتی که هدفشان دستگیری ایشان است. آنان باید دعا کنند که برای پاسخ دادن به این قبیل سؤالات، از خدا فیض بیابند. آنها نباید بدون دلیل موجه مردم را خشمگین سازند. همچنین نباید کاری کنند که مردم بتوانند اتهام موجهی بر ایشان وارد سازند. اول پطرس ٤: ۱۵-۱٦ این موضوع را به این صورت توصیف می‌کند: «پس زنهار هیچ یک از شما چون قاتل یا دزد یا شریر یا فضول عذاب نکشد، لکن اگر چون مسیحی عذاب بکشد، پس شرمنده نشود، بلکه به این اسم خدا را تجلیل نماید» یعنی به این اسم مسیح که بر خود دارند.

۳) مسیحیان می‌باید از جفاهایی که پیش می‌آید، برای شهادت دادن به مقامات حکومتی استفاده کنند. عیسی فرمود که شاگردانش را دستگیر خواهند کرد و به محکمه‌های یهودیان که در کنیسه‌ها قرار داشت، خواهند برد. در آن زمان مجازات برای برخی جرم‌ها، شلاق زدن بود. حداکثر آن ۳۹ ضربه شلاق بود (دوم قرنتیان ۱۱: ۲٤). شاگردان مسیح را نزد مقامات عالی‌رتبه بردند تا مورد محاکمه قرار گیرند. این امر هم برای عیسی و هم برای پولس اتفاق افتاد. توجه به این نکته مهم است که عیسی گفت هدف از این جفا ها این است که شاگردانش به محاکمه‌کنندگان خود شهادت دهند. گاهی اوقات جفاها تنها راهی است که مقامات حکومتی می‌توانند پیام محبت و بخشش خدا را بشنوند. مسیحیان نباید نگران باشند که در آن زمان چه باید بگویند، چرا که روح القدس سخنان عیسی را به یاد آنها خواهد آورد و در وجود آنها شهامت و دلیری خواهد دمید.

ب) مسیحیان می‌باید این نوع رنج را شراکت در رنجهای مسیح در نظر بگیرند.
بخوانید: اعمال ۲٦: ۱٤ ؛ رومیان ۸: ۱۷؛ دوم قرنتیان ۱: ٥ ؛ کولسیان ۱: ۲٤ ؛ اول پطرس ٤: ۱۲-۱٤
کشف و گفتگو کنید: مسیحیان می‌باید رنجهای خود را چگونه تلقی نمایند؟
ملاحظات:

۱) رنجهای عیسی مسیح. به عیسی مسیح عناوین کفرآمیز مختلفی دادند: «بعلزبول» (یا شیطان) (متی ۱۰: ۲۵)، "سامری" (یعنی اجنبی مورد تنفر) (یوحنا ۸: ٤۸) ، "شخصی که دیو دارد و دیوانه " (یوحنا ۱۰: ۲۰) و غیره. او مورد تنفر افراد شریر این جهان بود (یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۱). مقامات حکومتی برای کشتن وی توطئه کردند (متی ۲٦: ۳-٤). مأموران آب دهان بر او انداختند و به وی سیلی زدند. (متی ۲٦: ٦۷). ترتیب یک محاکمه ظاهری با شاهدان دروغین را دادند (متی ۲٦: ٥۹-٦۰). او را بستند و همچون یک جنایتکار به دنبال خود کشیدند (متی ۲۷: ۱-۲). او را بی‌حرمت کرده، تاجی از خار بر سرش نهادند. او را مسخره کردند، و سیلی زدند. بارها با چماق بر سرش زدند (متی ۲۷: ۲۷-۳۱). و بالاخره با کوبیدن میخهای بلند آهنی بر دستها و پاهای او، وی را مصلوب نمودند (متی ۲۷: ۳۵).

۲) رنجهای پولس رسول. پولس پیش از ایمان آوردن، برای مخالفت با نام عیسی مسیح از هیچ اقدامی فروگذار نکرد. مسیحیان را به زندان می‌انداخت. رأی به قتل آنها می‌داد. آنان را در اماکن مذهبی یهود به تازیانه می‌سپرد و آنها را مجبور می‌کرد که به عیسی مسیح کفر گویند. (اعمال ۲٦: ۹-۱۱). بعدها خود پولس جفاهای بسیاری را متحمل گردید. بارها به زندان انداخته شد، به شدت تازیانه خورد، پنج بار از یهودیان ۳۹ ضربه شلاق خورد، سه مرتبه چوب خورد. یکبار سنگسار شد، همیشه از جانب هموطنان خود در خطر بود و همچنین از جانب برادران دروغین (دوم قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲٦). پولس بر بدن خود علامتهای عیسی را داشت (غلاطیان ٦: ۱۷).

۳) شراکت در رنجهای عیسی مسیح. مسیحیان می‌باید اینگونه رنجها را « شراکت در رنجهای مسیح » به‌حساب آورند (رومیان ۸: ۱۷ ؛ اول پطرس ٤: ۱۳). زمانی که مسیحیان به خاطر ایمانشان به عیسی مسیح یا وفاداریشان به او و کلامش رنج می‌کشند، آنگاه « رنجهای مسیح بر آنها وارد می‌گردد. » (دوم قرنتیان ۱: ٥). زمانی که شخصی به شاگردان عیسی

مسیح جفا می‌رساند، در واقع به خود عیسی مسیح جفا می‌رساند. پولس قبل از ایمان آوردنش، به مسیحیان جفا می‌رساند؛ سپس عیسی مسیح به او گفت: «ای شاؤل ، چرا بر من جفا می‌کنی؟» (اعمال ٢٦: ١٤). جفا رساندن به مسیحیان در واقع جفا رساندن به عیسی مسیح است. این بدین معناست که وقتی شما به عنوان یک مسیحی جفا می‌بینید، هرگز از حضور و محبت عیسی مسیح و همچنین قوت و آرامش او دور نمی‌باشید.

٤) <u>به کمال رساندن سهمیه رنجها ضروری است.</u> در کتاب مقدس رنجهای مسیحیان همچون رنجهای عیسی مسیح تلقی شده است. اما در هیچ جا رنجهای مسیحیان به عنوان عاملی دخیل در تحقق فدیه توصیف نشده است. این رنجها فقط برای به کمال رساندن زحمات ضروری برای تکمیل فدیه و جلال یافتن تمام بدن مسیح (کولسیان ١: ٢٤) به‌شمار آمده است.

٥) <u>شراکت در جلال مسیح.</u> رومیان ٨: ١٧ می‌فرمایدکه مسیحیان در رنجهای مسیح شریک می‌گردند تا در جلال او نیز شریک باشند. به همان صورتی که نمی‌توان مسیح را در رنجها و مرگ و قیامش جدا از آنانی مورد تعمق قرار داد که به جای ایشان رنج کشید و مرد و قیام کرد، به همان شکل نیز نمی‌توان او را در جلالی که به عنوان پاداش اتمام کارش به او داده شد جدا از آنان مورد تعمق قرار داد. ایشان نیز در حالت جلال خویش نمی‌توانند جدا از او مورد تعمق قرار گیرند. بنابراین جلالی که ارث مسیحیان می‌باشد نمی‌تواند جلال دیگری به غیر از جلال مسیح باشد، جلالی که پاداش شکوه او است (یوحنا ١٧: ٢٤). رنج کشیدن با عیسی مسیح شرطی است که از طریق آن دستیابی به این ارث میسر می‌گردد. تا زمانی که شراکت در رنجهای الهی وجود نداشته باشد، هیچ شراکتی در جلال او نیز وجود نخواهد داشت. رنج و پس از آن جلال، ترتیبی است که برای خود مسیح هم تعیین شده بود (فیلیپیان ٢: ٦-١١). همین ترتیب برای کسانی که با او هم ارث هستند، صدق می‌کند.

ت - <u>واکنشهای متفاوت نسبت به رنج کشیدن</u>

١- <u>واکنشهای متفاوت تاریخی به رنج</u>

کشف و گفتگو کنید: افراد ذیل چگونه نسبت به رنج واکنش نشان دادند؟
ملاحظات: این نمونه‌ها به ما تعلیم نمی‌دهند که در مقابل رنج چگونه باید واکنش نشان دهیم. آنها کامل و فراگیر نیز نمی‌باشند.

الف) <u>آرزوی لعنت و داوری خدا</u>
بخوانید: مزمور ١٠: ١٥؛ ٥٨: ٦
داود دعا کرد و از خدا درخواست نمود که لعنت و داوری خدا بر دشمنانش فرو ریزد. با وجود این، عیسی مسیح به ما تعلیم می‌دهد که چگونه باید نسبت به رنج واکنش نشان دهیم. «هر که شما را لعن کند برای او برکت بطلبید» (لوقا ٦: ٢٧-٢٨). و پولس تعلیم می‌دهد که « برکت بطلبید بر آنانی که بر شما جفا کنند، برکت بطلبید و لعن مکنید» (رومیان ١٢: ١٤).

ب) <u>تهدید کردن و تلافی‌جویی</u>
بخوانید: متی ٥: ٣٨- ٤٢
بعضی‌ها شرور و انتقامجو هستند. آنها خواستار «چشمی‌به چشمی‌و دندانی به دندانی » می‌باشند. آنها نسبت به دیگران همان کار بدی را انجام می‌دهند که آن اشخاص نسبت به ایشان مرتکب شده‌اند. بعضی از فرهنگها اهریمنی و شر هستند و به اصطلاح " کشتن افتخار آمیز" را تعلیم می‌دهند. آنها تعلیم می‌دهند که شرافت یا افتخار شخص یا خانواده یا ملیت و یا مذهب می‌باید به وسیله کشتن اعضای بی‌گناه جامعه یا خانواده‌ای حفظ گردد که شخص گناهکار یا خلافکار به آن تعلق دارد. به این طریق بعضی از خانواده‌ها برای قرنها به کشتار متقابل پرداخته‌اند، و بعضی ملتها هرگز جنگ بر علیه یکدیگر را متوقف نکرده‌اند و بعضی از مذاهب به ایجاد وحشت و جنگهای مذهبی دست یازیده‌اند.
اما عیسی مسیح به ما مسیحیان تعلیم می‌دهد که چگونه باید نسبت به رنجی که به وسیله یک شخص ، خانواده، ملت یا مذهبِ شریر بوجود می‌آید واکنش نشان دهیم. او می‌فرماید: « با شریر مقاومت مکنید». و زمانیکه یکی از شاگردانش تلافی کرد و گوش یکی از دشمنان را برید ، عیسی فوراً زخم او را شفا داد (لوقا ٢٢: ٥٠-٥١) و فرمود: « شمشیرخود را غلاف کن، زیرا هر که شمشیر گیرد به شمشیر هلاک گردد» (متی ٢٦: ٥١-٥٢). زمانی که مردم به عیسی توهین کردند، او تلافی نکرد. زمانیکه رنج کشید ، تهدید ننمود. بلکه خود را به دست شخصی سپرد که عادلانه داوری می‌نماید (اول پطرس ٢: ٢٣).

پ) <u>انکار عیسی مسیح</u>
بخوانید: متی ١٠: ١٧-٢٠؛ ٣٢- ٣٩
بعضی در برابر جفا واکنشی از سر ترس از خود نشان می‌دهند و در برابر خانواده ، جامعه و یا حکومت خود، عیسی مسیح را انکار می‌کنند. آنها از رنج کشیدن می‌ترسند و به همین دلیل انکار می‌کنند که مسیحی هستند. اما عیسی مسیح به مسیحیان هشدار می‌دهد که او را انکار نکنند. او می‌فرماید: « هرکه صلیب خود را بر نداشته از عقب من نیاید، لایق من نباشد». صلیب بیانگر این است که مسیحی واقعی راضی است به خاطر عیسی مسیح در معرض طردشدگی، تهمت‌های دروغ، بی‌آبرویی، ضرب و شتم، و حتی مرگ قرار گیرد. عیسی مسیح همچنین تعلیم می‌دهد که ما مسیحیان می‌باید نسبت به جفا چگونه واکنش نشان دهیم. زمانی که جفا کنندگانتان شما را کتک زده و نزد رهبران مذهبی ، مقامات حکومتی و حتی رهبران سیاسی می‌آورند، در آن

زمان « اندیشه مکنید که چگونه یا چه بگویید، زیرا در همان ساعت به شما عطا خواهد شد که چه باید گفت. زیرا گوینده شما نیستید، بلکه روح پدر شما ، در شما گوینده است». گاهی اوقات جفا تنها طریقی است که این رهبران مذهبی، پلیس یا رهبران حکومتی خبر خوش انجیل را می‌شنوند. در طول قرنها، تاریخ ثابت کرده است که «خون شهدای مسیح، بذر انجیل گردیده است».

ت) سکوت کردن
بخوانید: متی ٢٦: ٥٩-٦٤ ؛ اول پطرس ٢: ٢١-٢٣
اکثر اوقات عیسی مسیح می‌خواهد که مسیحیان دهان خود را گشوده و به جفا کنندگان خود شهادت دهند. اما در بعضی از شرایط مسیحیان ممکن است از الگو و نمونه او پیروی کرده و سکوت نمایند. در اکثر شرایط عیسی مسیح درباره آنچه درست است، شجاعانه اظهار نظر می‌کرد. زمانی که ناعادلانه کتک خورد، فرمود که اگر مطلب اشتباهی گفتم، بگو چه چیز را اشتباه گفتم، اما اگر حقیقت را گفتم، چرا میزنی (یوحنا ١٨: ٢٣)؟ در جایی دیگر وقتی صحبت کردن کمکی نمی کرد برای دشمنانش دعا کرد. فرمود: «ای پدر، اینها را بیامرز زیرا که نمی‌دانند چه می‌کنند» (لوقا ٢٣: ٣٤). فقط در بعضی شرایط خاص عیسی مسیح ساکت ماند. برای مثال زمانی که به دروغ مورد تهمت قرار گرفت یا وقتی دشمنان او را مسخره می‌کردند.

ث) عادلانه زندگی کردن
بخوانید: اول قرنتیان ٤: ٩-١٣ ؛ دوم قرنتیان ١١: ٢٣-٢٩ ؛ دوم تیمو تاؤس ٣: ١٠-١٢
پولس رسول واکنشهای متعددی نسبت به رنج نشان داد. او به‌هنگام فقر به سختی با دستهای خود کار می‌کرد ، به آنانی که به او تهمت می‌زدند با مهربانی پاسخ می‌داد، برای لعن‌کنندگان خود برکت می‌طلبید و همه نوع جفا را تحمل می‌نمود. او در تمامی رنجهایش، به دوست داشتن و توجه کردن به کلیساهای تحت پوشش خود ادامه می‌داد. پولس بسیار حساس و هوشیار بود تا نمونه‌ای برای مسیحیان دیگر باشد. آنها چیزهای زیادی از روش زندگی و ایمان و صبر و محبت و تحمل، و جفاها و رنجهای او می‌آموختند.

٢- واکنشهای متفاوت در برابر رنج

الف) اجتناب از رنج
بخوانید: تثنیه ١٠: ١٧- ١٨ ؛ ١٦: ١٧- ١٨؛ خروج ٢٣: ٨
شخص مسیحی ممکن است وسوسه شود که از رنج به هر قیمتی که شده اجتناب و دوری نماید و ممکن است بخواهد به جفا کنندگان خود رشوه دهد. اما خدای کتاب مقدس هرگز رشوه نمی‌گیرد. (تثنیه ١٠: ١٧-١٨). خدای داور عادل هرگز رشوه دریافت نمی‌کند (تثنیه ١٦: ١٨-٢٠). و مسیحیان هرگز نباید درگیر رشوه دادن و رشوه گرفتن شوند (خروج ٢٣: ٨). شخص مسیحی ممکن است وسوسه شود که از رنج به هر قیمتی که شده اجتناب کند و خیلی راحت با درخواست ناعادلانه جفاکننده خود موافقت کند و هر چه از او خواسته شود، انجام دهد. اما به این روش، شخص مسیحی مانند جفاکننده خود شخصی نادرست و شریر می‌گردد. شخص مسیحی باید به کارفرما یا حکومت بگوید که نمی‌تواند آنچه را که در کتاب مقدس غیر عادلانه است یا منع شده، انجام دهد و آن را انجام نخواهد داد.

ب) فرار از رنج
بخوانید: متی ١٠: ١١- ١٤، ٢٣
مسیحیان باید ابتدا بکوشند که پیام ملکوت خدا را به یک شهر اعلام کنند و در آن شهر خوبی نمایند. اما اگر شهر با آنها مخالفت یا مقاومت کرد، باید آنجا را ترک کرده و به شهر دیگری بروند؛ و وقتی آن شهر به آنها جفا رساند، می‌باید به مکان دیگری فرار کنند.

پ) مخالفت با رنج
بخوانید: رومیان ١٢: ١٧-١٩ ؛ اول تیموتاؤس ٢: ١-٦
بسیاری از مردم با رنج مخالفت و ضدیت می‌کنند. آنها دادخواستها می‌نویسند، اعتصابها به راه می‌اندازند، با مقامات مقاومت منفی می‌کنند یا حتی عمداً بوسیله مخالفت خشونت‌آمیز، با مقامات ضدیت می‌نمایند. در حالی که مسیحیان باید توجه مقامات ذیصلاح را به ظلم و بی‌عدالتی جلب کنند، و هرگز نباید بر خلاف مقامات به خشونت در کلام یا در عمل متوسل گردند. مسیحیان هرگز نباید مردم را تهدید کنند، هرگز نباید متوسل به خشونت یا انتقام گرفتن شوند. اگر آنها چنین عمل کنند مثل مخالفان خود شریر می‌گردند و خدا آنها را داوری خواهد کرد. مسیحیان هرگز نباید متوسل به روشهای شریرانه مخالفان خود گردند. تروریستی که متوسل به خشونت می‌گردد، نمی‌تواند مسیحی باشد.
با اینحال، زمانی که مسیحیان شاهد بی عدالتی هستند باید آن را به مقامات ذیصلاح گزارش دهند. اگر آن مقامات بسیار شریر و بدکار باشند، ممکن است عاقلانه نباشد که با آنان درباره عمل شریرانه‌ای که انجام می‌دهند، سخن گفت. به جای آن، باید برای تبدیل مقامات دعا کنند (اول تیموتاؤس ٢: ١-٦). و همچنین مسیحیان باید مشغول کمک و تسکین دادن به مردمی گردند که از ظلم مقامات یا بی‌عدالتی جامعه رنج می‌برند (متی ٢٥: ٣٧-٤٠).

ت) تحمل رنج
بخوانید: اول پطرس ۲: ۲۱، ۲۳
بعضی از مسیحیان وسوسه می‌شوند که رنج را متحمل نگردند. اما مسیحیان دعوت شده اند که در خصوص رنج، در اثر قدمهای عیسی مسیح گام بردارند. زمانی که مردم به عیسی مسیح توهین کردند، او تلافی نکرد؛ زمانی که رنج کشید، تهدید ننمود. در عوض خود را به خدایی سپرد که به عدالت داوری می‌نماید. مسیحیان نباید بر ضد جفاکنندگان خود واکنش نشان دهند ، بلکه به جای آن باید به سوی خدا رفته، برای فیض تحمل رنج دعا کنند و زندگی و شرایط خود را به دستهای خدای زنده بسپارند. در روز داوری نهایی، خدا هر شخص را بر اساس برخوردها ، سخنان و رفتارش داوری خواهد کرد.

ث) استفاده از رنج به عنوان طریقی برای گسترش عدالت
بخوانید: متی ٥: ٦، ١٠، ٢٠، ٣٨- ٤٢ ؛ عبرانیان ١٠: ٣٢-٣٤؛ ١٣: ٣ ؛ متی ٢٥: ٣٧-٤٠
مسیحیان هرگز نباید با شخص شریر مقاومت نمایند (متی ٥: ٣٩). زمانی که شخصی شریر آنها را می‌زند، باید به او اجازه دهند تا دوباره بزند تا خشم او فروکش کند. زمانیکه شخص شریر اموال آنها را میگیرد، مقدار بیشتری از اموالشان را به او بدهند. زمانی که شخصی شریر آنها را مجبور می‌کند که بار او را برای یک کیلومتر حمل کنند، آنها می‌باید آن را دو کیلومتر حمل کنند (متی ٥: ٣٩-٤٢). عدالت مسیحیان می‌باید از هر آنچه دشمنانشان انتظار دارند، فراتر برود (متی ٥: ٢٠). ایشان باید دشمنان خود را محبت کنند، برای لعن‌کنندگان خود برکت بطلبند و برای هر که با آنها بدرفتاری میکند ، دعای خیر کنند (لوقا ٦: ٢٧-٢٨). آنها باید گرسنه و تشنه عدالت باشند (متی ٥: ٦). عیسی مسیح مسیحیانی را که بخاطر انجام آنچه که از دید مسیح درست است جفا می بینند، برکت خواهد داد (متی ٥: ١٠). مسیحیان باید با اشخاصی که در زندان هستند ، همدرد باشند (عبرانیان ١٠: ٣٤) و آنهایی را که در زندان مورد بدرفتاری قرار گرفته یا شهید شده‌اند به یاد آورند (عبرانیان ١٣: ٣). مسیحیان باید گرسنگان و تشنگان را خوراک دهند، غریبان را به خانه خود دعوت کنند، اشخاص برهنه و عریان را بپوشانند و به عیادت مریضان بروند (متی ٢٥: ٣٧-٤٠) مسیحیان می‌باید از یک طرف اعمالی انجام دهند که باعث کاهش رنج مردم گردد و از طرف دیگر باعث تبدیل ساختار غلط اجتماعی به ساختاری خوب گردد.

۳- موضوعات مهمی که مستلزم رنج می‌باشند.

کشف و گفتگو کنید: فکر می‌کنید موضع مسیحیان در قبال مسائلی که رنج می‌آفرینند چه باید باشد، مسائلی از قبیل تنبیه کودکان ، سقط جنین، تسهیل در مرگ شخص رو به مرگ، حبس ابد، و اعدام؟

الف) تنبیه کودکان
بخوانید: امثال ١٣: ٢٤
کتاب مقدس به والدین نصیحت می‌کند که فرزندان خود را زمانی که مستحق و سزاوار تنبیه هستند، تنبیه نمایند. با وجود این، والدین و معلمین هرگز نباید کودکان را دلبخواهی بزنند، آن هم با مشت یا وسایلی که باعث وارد آمدن لطمه و صدمه شود. آنها باید کودکان را متناسب با خطایشان و با ترکه یا چوب بزنند که وسیله‌ای است برای تنبیه و باعث درد می‌شود ولی آسیب و صدمه ای نمی‌رساند. ترکه یا چوب را هم باید فقط به پشت آنها بزنند.

ب) سقط جنین
بخوانید: خروج ٢٠: ١٣؛ مزمور ١٣٩: ١٣-١٨
سقط جنین یعنی کشتن کودکی که به دنیا نیامده و والدین او را نمی‌خواهند. اما نباید فراموش کرد که این خود خداست که انسان را به گونه ای عجیب و اسرارآمیز می‌آفریند. از آنجا که انسان نمی‌تواند انسانی را خلق کند، حق کشتن او را نیز ندارد.

پ) تسهیل در مرگ شخص رو به مرگ
بخوانید: مرقس ١٠: ١٩
تسهیل در مرگ به معنی کشتن اشخاصی است که از بیماری، افسردگی یا کهولت سن رنج می‌کشند. اما خدا به صراحت هر نوع قتل را منع می‌کند.

ت) حبس ابد
بخوانید: تثنیه ٢٢: ٢٥-٢٧
قانون قضایی عهد عتیق ، مجازات مرگ را برای تجاوزکاران امر کرده بود. فکر می‌کنید جوامع امروزی در ارتباط با تجاوزکاران و سایر جرایم جدی از قبیل تولید مواد مخدر غیر قانونی و ترویج مواد مخدر چه باید بکنند؟ آیا باید چنین اشخاصی مدتی بعد آزاد شوند تا دوباره در جامعه مرتکب همان جرایم شوند؟

ث) اعدام
بخوانید: پیدایش ۹: ۵-٦. خروج ۲۱: ۱۲-۱٤ ؛ رومیان ۱۳: ٤
قانون قضایی عهد عتیق برای قاتلان، مجازات مرگ را امر کرده بود، البته نه برای اشخاصی که تصادفاً (یعنی غیرعمدی) شخص دیگری را کشته بودند. به نظر شما جوامع امروزی در مورد شخصی که با خونسردی دیگران را می‌کشد چه قاتل باشد و چه تروریست، چه کاری باید انجام بدهد؟

ث - اهمیت یا ارزش رنج

مقدمه: کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که رنج کشیدن مسیحیان بسیار پرمفهوم است. مسیحیان می‌دانند که رنج وسیله و روش خداست برای ساختن شخصیت، و مفید ساختن آنان در این جهان، و آماده ساختن آنها برای ورود به آسمان.

۱- رنج باعث اطاعت از کلام خدا می‌گردد.

بخوانید: مزمور ۱۱۹: ٦۷ ، ۷۱
کشف و گفتگو کنید: بر اساس این آیات، یکی از فواید و مزایای بزرگ رنج چیست؟
ملاحظات: رنج باعث بوجود آمدن اطاعت از کلام خدا می‌گردد. مشکلات، جفاها و رنجها، مسیحیان را به سوی یافتن جواب، و آرامش و قدرت در کتاب مقدس می‌کشاند.

۲- رنج باعث ساخته شدن شخصیت می‌گردد.

بخوانید: رومیان ۵: ۳-۵
کشف و گفتگو کنید: بر اساس این آیات، یکی از فواید و مزایای بزرگ رنج چیست؟
ملاحظات: رنج باعث بوجود آمدن شخصیت مسیح‌گونه می‌گردد. زمانیکه شخص به عیسی مسیح ایمان می‌آورد، رابطه‌اش با خدا کاملاً تغییر می‌کند. اما از آنجا که رابطه اش با خدا تغییر کرده است، رابطه اش با هر اتفاقی در زندگی مسیحی نیز تغییر می‌کند. قبل از اینکه شخص مسیحی گردد، رنج برایش کاملاً بی‌معنا می‌نماید. اما پس از اینکه مسیحی شد، رنج باعث پیدایی انواع مختلف خصوصیات و ویژگی های خوب در شخص مسیحی می‌گردد. برای مثال:

الف) رنج باعث خوشی می‌گردد.
یک مسیحی می‌تواند در رنجها نیز خوشی کند ، چراکه رنج معنا دارد. قبل از اینکه شخص مسیحی گردد، رنج بیانگر ناخشنودی خدا از او بود؛ اما پس از اینکه مسیحی شد، رنج تجلی سودمندِ محبت خدا برای اوست.
۱) ایماندار به‌هنگام رنج کشیدن به خاطر مسیح، شادی می‌نماید. (اعمال ۵: ٤۱). او رنج کشیدن بخاطر عیسی مسیح را یک افتخار می‌داند، چراکه عیسی مسیح رنج کشیدن ایمانداران را به عنوان رنجی که بر سر خودش می‌آید، به حساب می‌آورد (متی ۲۵: ٤۰-٤۵؛ غلاطیان ٦: ۱۷؛ کولسیان ۱: ۲٤؛ اول پطرس ٤: ۱۳-۱٤).
۲) شخص مسیحی همچنین در حین رنج خود شادی می‌نماید، چراکه کمک واقعی و قدرتمند خدا را تجربه می‌نماید. (رومیان ۸: ۳۵-۳۹؛ اول قرنتیان ٤: ۹-۱۳ ؛ دوم قرنتیان ۱: ٤-۱۰؛ ۱۱: ۲۳-۳۰؛ ۱۲: ۷-۱۰ ؛ دوم تیموتاؤس ۳: ۱۱-۱۲). او از این حقیقت شادی می‌نماید که رنج، فرصت و موقعیتی است که خدا قدرت خویش را در حمایت از او در بحبوحه رنج متجلی می‌سازد یا حتی او را از رنج رهایی می‌بخشد. مسیحیان در طول رنجشان شادی می‌نمایند، چرا که مشکل آنها تبدیل به امکانات خدا می‌گردد.

ب) رنج باعث استقامت و ایستادگی می‌گردد.
زمانی که یک مسیحی رنج می‌کشد، « صبر » و «استقامت» او فزونی می‌یابد. از یک طرف فرا می‌گیرد که رنج را صبورانه تحمل کند. از طرف دیگر می‌آموزد که وفادارانه در وظیفه خود ایستادگی نماید. ضعف یک شخص مسیحی فقط باعث جلال یافتن قدرت خدا می‌گردد (دوم قرنتیان ۱۲: ۹). زمانیکه شخص مسیحی رنج می‌کشد، اذعان می‌کند که ضعیف است. اما خدا قوی و آماده است که به او کمک نماید. او به دنبال دریافت کمك الهی بر می‌آید. از آنجا که کمک خدا کاملاً کافی و بسنده است، ایمان شخص مسیحی قوی می‌شود؛ رنجش او را به سوی ایستادگی در رابطه اش با عیسی مسیح و ایستادگی در دعوت مسیحی‌اش هدایت می‌کند.

پ) استقامت و ایستادگی باعث بوجود آمدن «شخصیت» یا « شخصیت تأیید شده» می‌گردد.
واژه اصلی را می‌توان «شاهد و مدرك»، « دلیل» یا «خصلت» معنی کرد. خدا از مشکلات، جفاها و رنجها برای آزمایش مسیحیان استفاده می‌کند. زمانی که یک مسیحی در رنج خود استقامت و ایستادگی نشان می‌دهد، ثابت می‌کند که خدا نسبت به او امین است و او نیز نسبت به خدا وفادار می‌باشد. زمانی که شخص در رابطه خود با عیسی مسیح و مسئولیت مسیحی خود استقامت و ایستادگی نشان می‌دهد، خدا مهر تأیید خود را بر او می‌زند. مثل این است که خدا بگوید: «من تو را آزمایش کردم و

تو نشان دادی که صادق هستی. من تو را یک مسیحی آزمایش شده و تأیید شده به‌حساب می‌آورم». بدین نحو خدا زمانی که اجازه می‌دهد شخص مسیحی متحمل اقسام مختلف مشکلات، جفاها و رنجها گردد، کمال و صداقت او را مورد آزمایش قرار می‌دهد.

ت) شخصیت تأیید شده، امید را بوجود می‌آورد.
زمانی که شخص به‌هنگام آزمایش یا امتحان، تسلیم می‌گردد، امید او ضعیف می‌شود، اما زمانی که رنج را متحمل می‌گردد و در آزمایش از خود ایستادگی نشان می‌دهد، امید وی به اینکه او واقعا یک مسیحی است، تایید و تقویت می‌گردد.

۳- رنج باعث بلوغ می‌گردد.

بخوانید: یعقوب ۱: ۲-٤ ؛ عبرانیان ۱۲: ۱-۱۳
کشف و گفتگو کنید: بر اساس این آیات، یکی از فواید یا مزایای بزرگ رنج چیست؟
ملاحظات: رنج باعث بلوغ و رشد فرد مسیحی می‌گردد. بر اساس یعقوب ، تجربیات و وسوسه ها در زندگی دائماً باعث بلوغ مسیحی و رشد شخصیت او می‌گردد. بر اساس عبرانیان، " تربیت عملی و تأدیب الهی، شخص مسیحی را شریک قدوسیت و عدالت و صلح و آرامش خدا می‌گرداند."

٤- رنج باعث بوجود آمدن شجاعت و دلیری و بی‌باکی می‌گردد.

بخوانید: فیلیپیان ۱: ۱۲-۱٤
کشف و گفتگو کنید: بر اساس این آیات، یکی از فواید یا مزایای بزرگ رنج چیست؟
ملاحظات: جفا باعث بوجود آمدن دلیری می‌گردد. فیلیپیان ۱: ۱۲-۱٤ می‌فرماید: «آنچه بر من واقع گشت، برعکس به ترقی انجیل انجامید ... اکثر از برادران در خداوند از زنجیرهای من اعتماد به هم رسانیده، بیشتر جرأت می‌کنند که کلام خدا را بی‌ترس بگویند.»
پولس در شهر فیلیپی در یک سیاهچال در زنجیر بود. نمونه او در رنج کشیدن، سایر مسیحیان را ترغیب نمود که در شهادت دادن در مورد عیسی مسیح شجاع و دلیر گردند. در شهر فیلیپی بسیاری از سربازان، محافظان قصر و حتی تعدادی از اهل خانه امپراطور روم (فیلیپیان ٤: ۲۲) به عیسی مسیح ایمان آوردند.

٥- رنج باعث گسترش پیام خوش انجیل می‌گردد.

بخوانید: اول تسالونیکیان ۱: ٦-۸
کشف و گفتگو کنید: بر اساس این آیات، یکی از فواید یا مزایای بزرگ رنج چیست؟
ملاحظات: جفا باعث گسترش پیام خوش انجیل می‌گردد. در اول تسالونیکیان ۱: ٦-۸ پولس می‌فرماید که رنج و زحمت شدیدِ ایمانداران تسالونیکی باعث گردید که ایمان آنها به خدا در همه جا معروف گردد. زمانی که یک مسیحی به خاطر مسیح بگونه‌ای متحمل رنج و زحمت می‌گردد که عیسی مسیح جلال یابد، رنج و زحمت او مورد توجه افراد بسیاری قرار می‌گیرد. مسیحیان دیگر نیز شجاع و دلیر می‌گردند که آنها نیز به همین صورت متحمل رنج گردند. مرگ شهدای مسیحی بذر انجیل می‌شود. یک نویسنده مشهور چنین گفته است: «در خوشی هایمان خدا با ما نجوا می‌کند و در وجدانمان با ما سخن می‌گوید، اما در دردهایمان فریاد بر می‌آورد. رنج مسیحی بلندگوی خداست برای بیدار کردن دنیای ناشنوا».

٦- رنج جلال عیسی مسیح را آشکار می‌کند.

بخوانید: اول پطرس ٤: ١٤
کشف و گفتگو کنید: بر اساس این آیات، یکی از فواید یا مزایای بزرگ رنج چیست؟
ملاحظات: جفا، جلال عیسی مسیح را در شخص مسیحی آشکار می‌نماید. زمانی که یک مسیحی به خاطر نام عیسی مسیح رنج می‌کشد، او «مبارك» است چون که روح جلال و روح خدا بر او آرام می‌گیرد. وقتی که بخاطر عیسی مسیح متحمل رنج و سختی می‌گردد روح خدا، جلال الهی را از طریق او می‌تاباند. او شادی، آرامش و اطمینان کامل در خدایی را خواهد داشت که از تمام توانایی انسانی برای انجام این امور فراتر می‌باشد. مسیحی که متحمل رنج و سختی گردیده است قادر خواهد بود که دشمنان خود را ببخشد و محبت نماید ، به همان صورتی که عیسی مسیح نمود. او تا به مرگ پایداری خواهد کرد، همانگونه که عیسی مسیح استقامت کرد. اما استقامت و پایداری یک ایماندار را نباید مربوط دانست به قدرت محبت شخص مسیحی نسبت به خدا، و نه به هیچ چیز دیگری در او، بلکه باید آن را فقط مربوط دانست به محبت عظیم و رایگان خدا نسبت به شخص مسیحی (رومیان ۸: ۲۸-۳۹).

۷- **<u>رنج و سختی شخص مسیحی را برای آسمان آماده می‌سازد.</u>**

بخوانید: متی ٥: ١١-١٢؛ دوم تسالونیکیان ١: ٤-٥
کشف و گفتگو کنید: بر اساس این آیات، یکی از فواید یا مزایای بزرگ رنج و سختی چیست؟
ملاحظات: جفا شخص مسیحی را برای آسمان آماده می‌سازد. تمام جفاها و آزمایشهایی که ایمانداران تسالونیکی با آن روبرو بودند، دلیلی بود بر حقانیت داوری خدا. در نتیجه این امر، مسیحیان شایسته ملکوت خدا شمرده شدند که برای آن متحمل رنج و سختی شده بودند. در متی ٥: ١١-١٢ ، عیسی فرمود: «خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند و بخاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید‌زیرا اجر شما در آسمان عظیم است».

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " رنج انسان و اقتدار خدا " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از مکاشفه ١٩-٢٢ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب یا روش طرح پرسش استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - هر روز ٥ آیه حفظی آخر را از یوحنا مرور کنید.
٥ - بررسی کتاب‌مقدس - بررسی بعدی کتاب‌مقدس را در منزل آماده کنید. از انجیل یوحنا خلاصه‌ای تهیه کنید.
یك بار دیگر انجیل یوحنا را بطور کامل بخوانید و با کمك سؤالات زیر، خلاصه‌ای از آن را خودتان تهیه کنید:
الف) به انجیل یوحنا عنوانی بدهید.
ب) به هر فصل از انجیل یوحنا عنوان و نیز عناوین فرعی بدهید.
پ) مهمترین نتایج عقیدتی در انجیل یوحنا کدامها است؟
ت) مهمترین درس‌های عملی در انجیل یوحنا کدامها است؟
ث) به نظر شما کاربرد انجیل یوحنا برای روزگار و جامعه ما چیست؟
ج) یکی از جنبه‌های انجیل یوحنا را برای گروه تعلیم دهید. این حقیقت را چگونه به دیگران انتقال می‌دهید؟ امکانات مختلف به شریح زیر است:
١) حقیقت را به کمك طرح یا تصویر شرح دهید.
٢) موعظه کوتاهی در مورد یکی از حقایق برای گروه ایراد کنید.
٣) شعر یا سرودی تصنیف کنید و آن را به گروه ارائه دهید.
٤) نمایش یا پانتومیم کوتاهی بنویسید و آن را به گروه نشان دهید.
٥) مسابقه‌ای طرح کنید و آن را در گروه به اجرا در آورید.
٦) داستان یا شهادتی کوتاه تعریف کنید تا حقیقتی را از انجیل یوحنا تشریح کنید.
٦ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٧ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.